

از قرغه تا گردیز

مورخ اول قوس سال 1390

نویسنده: عبدالواحد خرم

سخن از رفتن گردیز در هفته اخیر عقرب از زبان دگروال یار محمد (انوری) زیاد گفته میشد، لویه جرگه رخصتی 4 روزه مانع آن بود، شب شنبه 28 عقرب ناگهان زنگ جدی از جانب تنظیم کننده اوپراتیوی بصدا تلفون همراهم آمد که فرادچه شود، باجنرال داود درگردیز تماس حاصل نمودم او وضعیت راه را مطلوب تصورنداد جریان رابه جنرال محمدحسن (سلطانی) ریس هیئت بازگوداشتم ایشان خرسندگردیدند اما انوری از مجری دیگری از موجودیت امنیت اطمینان داد سحر از مسجد عیدگاه بمقصد آن دیار با دو رینجربدون محافظ و سلاح توکل به خداراهی شدیم هوا قرغه قلعه چه، بنی حصارنیمه ابرآلود، ازدحام کمی ترافیکی، خداحافظی هر کدام از منازل و هرکه هرچه در دل دارد. زیراپلان، پلان است هرچه باشد در نظام عسکری بایدتطبق گردد. آنهم مزین به امضاستر جنرال شیرمحمدکریمی که درابتداءجنرال مولاجان معاون ریاست دفترش به ان موافق نبوده درحالیکه هدف مارابرسی وکمک به مرکز تعلیمی نظامی ساحوی پکتیا و جزوتام وابسته به ان خوست تشکیل می داد و فراغت 1200 تن مداومین از این دومرکز به اول قوس 1390 بود.

نباید کابل رامحیط تنهاالوده از هواوب کثیف، ترافیک خسته کن، برخی مردم بی مهر و محبت با داشتن دستگاه های اداری دولتی دور از مردم وادیت کننده دانست، بلکه ولسوالی ها و اطراف و اکناف خیلی زیبا، محیط صاف و مملو از خوشگواری و بافرصت داشته که از ان معلومات کم داشتم به گونه مثال اگر به شمال برویم ولسوالی های 7 گانه کوه دامن زمین اش خوبتر از شهر کابل، بطرف جنوب چار آسیاب و غیره مناطق بنی حصار، سیاه بنی، سنگ نوشته، دشت سقاوه، موسیقی کابل دیدنی اند.

خاطرات جنگ مجاهدین با دولت وقت افغانستان و جنگ میان حزب اسلامی و حکومت ربانی را بیاد هر کدام می آورد. در دروازه عساکر امنیتی فرقه 11 و سایط ما را چک وکنترول نمودند از 7 نفر پلان شده 5 نفر افسرو 2 نفر در بیور همسفران اند کابل زیبا را اهسته اهسته ترک می گوئیم این مناطق را از راه زمین ندیده ام به ولسوالی محمد آغه لوگر مشهور رسیدیم قرا بدوخیل، زاهد آباد، بازار قندهاری و پل قندهاری رامیگذریم. در پل قندهاری 2 موتور رینجربه لطف جنرال محتاج و ابتکار انوری که با او شناخت قبلی و دوستی داشته از ما استقبال کرد دیگر انوری که بلد کار است از ساحه کلنگار و تنگی و اغجان تشویش ندارد، درمانه های سرسبز پل قندهاری مردم مصروف کردن جویها بودند سرک تا گردیز کم عرض و وسایط دو طرفه در رفت و آمد.

در ماه حوت و حمل 1389 و 1390 باری در راس گروپ به مرکز تعلیمی نظامی کابل توظیف شده بودم و در انجا عقلم کار نکرد چیزی ننوشتیم در ماه حمل 1390 در ترکیب یک گروپ مزار شریف سفر کردم همچنان قلم نبر داشتم اشتباه کردم دیگر سفر به قطعات و مراکز تعلیمی اردو را که نمایی از زنده گی پرسونل است سعی می ورزم تا رقم زنم. خاطرات ام از کابل تا بنگلور در 17 صفحه سفرمان از دارالامان الی سمنگان و بلخ انعکاس خوبی را در میان افسران قوماندانی عمومی تعلیم و تربیه و دکتورین حتی در قرارگاه ستر در ستیز وارد ساخت.

همه می دانیم که لوگر سر زمین هنر و موسیقی است ولی انوری با گذشت دقیق در مسایل امنیتی ابتکارات خود را ظهور میساخت او خاطرات محاصره شدن اش را در قلعه مشهور حبیب الله واقع کلنگار از سال 1361 بیان کرد و وضعیت فعلی را از تسلط حزب اسلامی و گروه طالبان در این ولسوالی تشریح نمود او چند بار از این راه گذشته بود بازار کلنگار به تناسب محمداغه بزرگ نبود، در پل علم رسیدیم. این ولایت خیلی ها فقیر است چوک پل علم چنان کثیف والوده پارک سبز اش بدون گل و گلبرگ و انسانها دولوحه بچشم خورد اتحادیه ژورنالستان و خبرنگاران و کابل بانک.

در یک محیط بالاتراز چوک پارک و سایط در مرکز شهر اطراف ولایت در محیط خاکی و خاک زار. مناطق بره کی برک، برکی راجان، جناح چپ خوشی، بازارک خضر فقط چنددکان محدود داشت. دگروال غلام محمود از سلام لوگری، بیلتون لوگری، دوری لوگری و ماشینی لوگری یاد آور گردید با گذشت از تپه در جناح راست ولسوالی های چرخ و خروار را محل امن ندانستند خاندان چرخ رابه یاد آوردیم. در همین نقطه لوا 4 قوماندانی قول اردوی 203 تندر موقعیت دارد که قوماندان آن جنرال ملا رازق از طرفداران استاد سیاف میباشد و در دشت التمر مشهور کمپ میدان هوایی خارجیان واقع است قبل از اینکه سفر را از دشت التمر و کوئل تیره برسانم خواستم راجع به حدوداربعه و سایر مسایل عمده ولایت لوگر چیزی بنویسم.

ولایت لوگر در جنوب کابل قرار داشته و همجواریست، با ولایت پکتیا، وردک، غزنی. مردم آن را پشتون ها و تاجکها و سادات تشکیل میدهند و انسان میتواند به هر دو لسان پشتو و دری در آنجا صحبت نمایند. لوگر قبل از سی سال مهد و موطن مولوی ها و ملاهای نخبه کشور بود و اسلام در آنجا ریشه های عمیق داشته، با وصف نزدیکی لوگر به کابل اکثریت مردمش سواد و دانش کافی نداشته در تاریکی و خرافات زیسته اند. لوگر مہدمجاهدین و سرداران جنگی غازیان معرکه استراد استقلال افغانستان بشمار میرود. ویکی از این رادمرد پر آوازه نایب امین الله خان لوگری بوده است. محمدنبی (محمدی) رهبر حرکت انقلاب اسلامی افغانستان هواخواه محمدظاهر شاه نیز از همین دیار است که باری در مصاحبه اش به رادیویی بی سی گفت "چون اب و هوای افغانستان به مزاجش سازگار نیست لذا در پاکستان زندگی میکند".

بهر حال لوگردارای مزارع سرسبز و خرم، باغستان های میوه دار و تاکستان های پر انگور، فالیزهای ترکاری زیاد بوده که کسب و کار مردم را زراعت و مالدارای تشکیل داده و میدهد. این مردم نسبت به عدم توجه لازم حکمرانان و پادشاهان وقت از نعمات تمدن محروم اند و بار خرافات قرون رابردوش کشیده اند.



موسیقی لوگر یکی از آن شادی بخش ترین و پرنشاط ترین اهنگ های کشور ماست که وسایل اساسی انرا تنبور، دهل و ریاب و هارمونیه تشکیل میداد، طوریکه در بالا ذکر شد استاد بیلتون، دری و پسر اش، سلام لوگری خواننده های خوش آواز و پر آوازه ای که شنیدن و استماع آوازهای مستانه آنها قلب های هزاران نفر از مردم کشور مخصوصاً اهالی شش گروهی مردم کابل و گردیز را به تپش می انداخت و روح روان هر که را و همین اکنون نیز شاد و سرمست می سازد.

بهر حال به دامنه های قریه التور مشابه سالنگ جنوبی رسیدیم، آنجا خانه گلی با آبشارها. این جا خانه های گلی متفرق بدون آبشارها آنجا تپه های خاکی با درختان های مثمر و غیر مثمر قد برافراشته اینجا ارچه های فندک تاه زیبا نامناسب به قطع کردن خدا داده

اکنون لوگر اترک میگویم به کوتل تیره می رویم پل کوتل تیره آغاز بلندیها. محمودخان رفیق سفر ما می گوید. زمانی جنرال عبدالرحمن رییس مالی وزارت دفاع دوره نجیب الله با طیاره اش نسبت خرابی هوا سقوط کرد.

از این رو کوتل مطمئن نیست مانند رباطک سمنگان هر طرف ساحه دارد و در برف باری تیره و تار است. اما در کوتل منازل رهائشی را با آنتن های بلند دستگاه های مختلف دیدیم از کوتل تا گردیز 27 ک. م فاصله است کوه های بلند ندارد اما آسیب پذیری اش زیاد است. اینجا سالنگ ها و خرم و سارباغ نیست، بلکه خاک دیگر، هوای دیگر، زمین های خشک، خانه های متفرق و آب و چشمه کم. راه گردیز - کابل و کوتل تیره توسط جنرال فیض محمد حدران افسر عالیقدر اردو سابق افغانستان احداث گردیده است.

بالای کوتل لوحه بزرگی نوشته شده (به سرزمین شیران و سلحشوران خوش آمدید) اکنون به گردیز می رسیم و چ شاخ تندان، حیات خیل، غفور خیل و مومن خیل را با کندک تانک گذشتیم. ساعت 11 بجه قبل از ظهر است به دفتر سرپرست قول اردو آمدیم جنرال روف محتاج، جنرال داود اندرابی، دگروال کاظمی و دگروال فاروق ادراک از ما استقبال گرم نمودند و به طعام چاشت دعوت شدیم لیک آمر تاسیسات وردگ صاحب از این حرکت ما بدون افراد مسلح نگرانی خود را ابراز و کار ما را اشتباه دانست.

قبل از آنکه در موضوعات اصلی برنامه داخل شوم بهتر است سخن چند از پکتیا داشته باشیم و سپس در مسایل ایکه مربوط مرکز تعلیمی نظامی ساحوی گردیز و قوای تندر می گردد تماس خواهم گرفت. ولایت پکتیا از جمله ولایات سرحدی نیمه کوهی و در قسمت جنوب شرق کشور ما قرار دارا ردمساحت ان تقریبا 15،5583 کیلومتر مربع بوده تقریبا 9،43 کیلومتر ولسوالی های دندتپان و ولسوالی جاجی اریوب مرز مشترک با پاکستان را تشکیل داده است.

ولایت پکتیا دارای 13 واحد اداری میباشد که عبارت از مرکز گردیز، احمدآباد، سیدکرم، میرزکه، احمدخیل، تیره منگل چمکنی، جانی خیل، دندتپان، جاجی اریوب، زرمت، وزی جدران، گرده سیری، وشواک میباشد.

اقوام ساکن این ولایت احمدزی، طوطاخیل، منگل، جدران، خروتی، اندر، چمکنی، مقبل، گردیزی لکن، صبری، تاجک، هزاره، سادات، واندک اهل هندوسک زندگی دارد. که جمله در 1544 قریه خوردو بزرگ زندگی مینماید که مجموع نفوس ان 233400 طبقه اناث و 244100 طبقه ذکور سکونت دارد. در سطح ولایت پکتیا چارباب ریاست نظامی از قبیل قول اردوی 203 تندر، زون 505 سپین غر زون نمبر 2 پولس سرحدی نظم عامه ونیروهای قوای ائتلاف به شمول پی آر تی میباشد.



بتعداد 34 باب ریاست هابه سطح ملکی ویک باب پوهنتون ملکی ویک باب دارالمعلمین ویک باب مدرسه عالی پنج باب مدرسه دینی ویک باب دارالحفاظه قران عظیم ا لشان وتعداد 23 باب لیسه ذکور ویک باب لیسه اناث 340 باب مکتب متوسطه ذکور پنج باب مکتب متوسطه طبقه اناث 110 مکتب ابتداییه ذکور و 20 مکتب ابتداییه دختران وجود دارد.

پیداوار این ولایت عبارت از گندم، جواری، جو، کچالو، شالی، و سبزی جات گونا گونا کون میباشد همچنان درختان سیب، انگور، زردالو، الوچه، ودرخت های کوهی جلغوزه، چارمغز، نیز از پیداوار این ولایت بشمار میرود و از شهرت خوب برخوردار میباشد.

ولایت پکتیا از جمله ولایات سرحدی و جنگل زار که توسط هشت باب راه موتر رویه کرم اجنسی تره منگل وسده متصل گردیده که عبارت از گولی تھانه، سپینه شگه، تورکنو، سنگر، بورکی، پکوسرو غیره و همچنان به ده هاراه پیاده روقاطر و بزرور در سرحد موجود بوده که به اسانی میتوان سرحد را عبور نموده و رفت آمد نمود.

مخالفین دولت در این ولایت از 80 لی 95 گروپ که به کمیت 1300 الی 1500 نفر مسلح در ان موجود بوده که قوماندانان مشهوران شیرمحمد، خلیفه عبدالواحد (عسکر)، قاری اسمعیل وضابط نظر میباشد.

قوماندان مشهور حزب اسلامی در ولسوالی های دندتپان، جاجی خیل، جاجی اریوب، چمکنی، میرزکه، تره منگل، و احمدخیل عبارت است از مالی خان که فعلا دستگیر و نزد دولت اسیر میباشد. ساتمی، قلمی، خلیفه عبدالرحمن و ساقی عمر میباشد.

قوماندان مشهور گروه حقانی در ولسوالی های جدران نشین، شواک، گرده سیری، وزی جدران و زرمت عبارت اند از مولوی سیدال بلال، جاوید، و عبدالصیر همت.

قوماندانان مشهور گروه منصور در ولسوالی زرمت و مرکز گردیز عبارت از مولوی فتح الرحمن، نور الرحمن، ملا عطاواله، بدرالدین حقانی، مامورجان و غیره میباشد.

همچنان پادشاه خان حدران عضو سابق ولسی جرگه، صوفی حبیب، قوماندان ضیاوالدین، قوماندان عبدالله، داود حاحی وکیل دور اول پارلمان، جنت گل منگل و انجنیر بای جان از اشخاص با نفوذ و صاحب رسوخ این دیار اند عبدالرحیم گردیزی تاجر بزرگ ملی کشور برخاسته از این ولایت است.

ناگفته نه بایدماند که در ترکیب مخالفین اتباع خارجی از قبل عرب، چیچین، پنجابی و اتباع قبیله های مسعود و زیرستان نیز شامل و در فعالیت های تخریبی رول مهم رابازی مینماید. اسلحه دشمن عبارت است از کلاشنیکوف، پیکاد، دهشکه، راکت انداز، هاوان، مزایل و ماین های مختلف النوع میباشد.

فعالیت دشمن: عبارت از حملات مستقیم و غیر مستقیم، ماین گذاری، قتل، تبلیغات علیه دولت و قوای ائتلاف و اختطاف افراد و اشخاص دولتی به منظور تبادل اسیران جنگی خویش که توسط عملیات های دستگیر و زندانی میباشد.

قوماندانی هماهنگی زون جنوب شرقی را که شامل 7 ولایت است ماستر علوم نظامی برید جنرال محمد داود اندرابی اداره می کند طوریکه پکتیا دارای 13 واحد اداری، پکتیکا دارای 17 ، غزنی دارای 19 واحد،خوست دارای 13 ،لوگر بتعداد 6 ،میدان وردگ دارای 8 واحد وبامیان دارای 6 واحد اداری می باشد .

جنرال داود اندرابی می گوید : در حالیکه لویه جرگه عنعنوی حملات شبانه را ممنوع اعلان می دارد اما در زون جنوب شرق گاه گاه حملات شبانه جریان دارد ولی نسبت به گذشته ها پس از انتخابات ریاست جمهوری دور دوم خیلی ها کاهش یافته است این جنرال در 7 ولایت 210 تن پرسونل دارد در حالیکه قول اردوتندر دارای 13000 تن پرسونل می باشد . این جنرال در دهه دموکراسی کرسی مفتخر به اخذ 5 تقدیرنامه و 5 مدال و مکافات نقدی شده است .

اشتباه بزرگ ما دراینجا بود که ما باخود کامره عکاسی وکامره فلم برداری نداشتیم .بهررسم که رفتیم برنامه عمده کاری مان را مسایل همچو:



- وضعیت اعاشه و اباته در مرکز تعلیمی نظامی ساحوی پکتیا
- بررسی از امور عقیدتی و فرهنگی بشمول وضعیت درس سوادآموزی
- وضع امنیتی مرکز تعلیمی و تدابیر اتخاذ شده
- کنترل پلنها تعلیم و تربیه و شیوه تطبیق ان تشکیل می داد

ناگفته نباید گذاشت که در قوماندانی عمومی تعلیم و تربیه و دکتورین 6 مرکز تعلیمی نظامی ساحوی وجود دارد که در هر دو ماه دوره تعلیمی ظرفیت فراغت 1400 مداومین (سربازان) رادریک زمان دارند که این مرکز عبارت انداز : بلخ، هرات، قندهار، هلمند، گردیز (باضمیمه خوست) دارالامان، که این مرکز را به ترتیب دگروال محمدالله منصور (ازبک) دگروال محمدیوسف (پشتون) ، دگروال محمد هارون (پشتون) ، دگروال شاه ولی (پشتون)

دگروال ملنگ شاه حمکنی (پشتون) و دگروال محمد قاسیم (تاجیک) درخوست و دگروال عبدالقدوس سمنگانی (تاجیک) سوق و اداره میکند تحریر قومیت این جنابان بدان مقصد است که پالیسی انتخاب و تقرر کادرها در وزارت دفاع ملی جناب ستر جنرال عبدالرحیم (وردک) بر مبنای اصل قومیت است نه شایستگی.

مرکز تعلیمی نظامی گردیز را طوریکه عرض کردم دگروال ملنگ شاه حمکنی که تازه از حج برگشته اداره میکند . رییس ارکانش دگروال محمد همایون عزیز و آمر او پراسیون و تعلیم تربیه موصوف دگر من نقیب الله رضایی میباشد . درین مرکز 14 نفر افسرو 86 نفر بریدمل و 719 نفر مداوم (سرباز) مصروف کار و فعالیت اند . در این مرکز آنچه ایکه وجود داشت :

- نظم اسناد نوکریوالی شان تاجایی به اصل نظامی برابر بود .
- پلان درسی هفته و آرماده گردیده بود اما با نقایص ایکه در بخش مربوط ذکر میگردد
- کاغوش ها به افتخار هیت پاک و تنظم بود نظافت تشناب ها بد نبود
- دوسر تکتیکی در موضوع عبور از موانع درتول های 3 و 4 خوب گذشت

- پرسونل در همکاری با هیئت بیگانگی نشان نمیدادند خصوصا بریدملان و افسران پایین رتبه آنها ما راهمچو برادران شان یافتند
- درس ضدشورش بازتاب صحبت لوی درستی ستر جنرال شیر محمد کریمی خوب پیش برده شد آنهم توسط خارجیان .
- نان خشک به طور لازم توزیع میشد .

اما وضعیت اعاشه، اباته و مالی:



- سربازان معاش 2 ماهه را به بهانه ای که فرار نکند اخذ کرده بود
 - امتیاز بعد از سه سال اجرا حواله نبود
 - امتیاز یک هزار افغانی بعد از شش ماه (سفریه) اجرانیست
 - افسران و بریدملان از ناحیه عدم توزیع زمین و معرفی به کورسها و بورس ها شاکی بودند.
 - ظروف غذاخوری و آب خوری کمبود فراوان داشت.
 - غذاکمیت ندارد، افسران، بریدملان و سربازان سیر نمی گردند
- نقص کلی در اینجا است که هفته دوروز کشتار در تمام دنیا صورت نمیگیرد توزیع گوشت گاو میش به سربازان چاشت و شب عضلات را در حقیقت ضعیف و تکلیف عصبی را بهمین می آورد .
- گوشت باید هفته سه روز باشد، میوه جات و سبزیجات تقویه گردد. افزایش در قیمت گوشت و مصارف ارتش باعث ارتقا نرخ گوشت همانند ارتقا نرخ گاز در هر زمستان و مواد خوراکی و شیرینی باب در ایام اعیاد بمرم افغانستان گردیده است. لوبیا، پالک، بامیه، کدو، شلغم و زر دک و کچالواز گوشت گاو میش بهتر است. سالن پالک و گوشت گاو میش دوامدار به عساکر امراض تقریض را بیار می آورد .
- دیبو البسه مشاهده گردید قفل و کلید آن بدست امریکاییان بوده حتی با محضر هیت یاد داشت سرپرست مرکز تعلیمی دگروال همایون عزیز یی جهت اخذ دوجوره بوت به درپور نگارنده و جنرال سلطانی رد گردید، با این عمل این امریکایی خود را مواجه نساخته خاموشانه دیبو راترک کردم و روی همین بی اعتمادی قوماندان مرکز تعلیمی دگروال چمکنی باید از وظیفه استعفا دهد
- بعدا درپور رییس ارکان مخفیانه دوجوره بوت را از دیبو کشیده و به درپوران توزیع می دارد .
- این امریکاییان مسوول اکمال افراد خیلی ها گرسنه اند، در عرض راه انوری برایم قصه کرد که بخاطر سود جویی فرانسویان نیز سربازان جدید الورد را به شهر دبی کشور امارات متحده عربی می فرستند که گویا در افغانستان محل تربیت و پرورش وجود ندارد و هر دوره 1200 تن را تحت تعلیم قرار می دهند این مصارف بیجا مانند مصارف بی مورد در لویه جرگه عنعنوی می باشد که توسط خارجیان صورت می گیرد که پاسخ اش را کس ندارد و اگر داشته باشد قناعت آور نیست امریکاییان مانند افغانها فرق دارند که عیار، خوش خلق و بد خلق .
- در این مرکز از تابلو سخنی نیست نوکریوال و افراد آن استحقاق خود را نمی دانند . 29 عقرب به 60 تن نان خشک و کیله نرسید که باعث رنجش هیت گردید، این عمل در محضر ما باز تکرار گردید، نان خشک با وزن کم و غذای صبحانه 30 عقرب به 70 تن تخم، شکر، شیر و نان نرسید .
- ولی رهبری مرکز بیمورد از تکت رخصت، سیر و سفر، مصارف و سهمیه تیل شان توسط قول اردو تندر شکایت داشتند . سربازانیکه استحقاق اعاشه، معاش و البسه را طبق نورماتیف داخلی و خارجی بدست نمی آورند (ظفر از معده پر سرباز برمی خیزد) پس پیشبرد دروس ارزشهای اردو ی ملی را چگونه ذهن نشین سازند .

جان کیندی گفته بود: فکر نکنید که حکومت امریکا بما چه می کند و باید فکر کرد که ما به حکومت امریکا چه کرده می توانیم و نباید خود را در خرابیها مقایسه کرد . چند سخن از لویه جرگه
 طوریکه در بالا اشاره گردید لویه جرگه عنعنوی مشورتی در کابل بتاريخ 25 عقرب سال 1390 دایرگردید و مدت 4 یوم دوام کرد بر مبنای اطلاعات در آن 2300 تن نماینده گان بطور انتصابی اشتراک ورزید که در 40 کمیته تنظیم گردیدند آنها 76 ماده را به تصویب رسانیدند و موضوعات جرگه در دو مورد می چرخید :



1- در مورد پیمان همکاریهای استراتژیک میان امریکا و افغانستان

2- تحقق پروسه صلح در کشور

در بیانیه افتتاحیه اش حامد کرزی پس از برشمردن دست آورد های ده سال حاکمیت اش گفت :
 در سال 2002 میلادی سرمایه 180 ملیون دالری داشتیم
 در سال 2011 م 6000 ملیون دالر داریم
 با 60 کشور جهان اکنون سفارت داریم
 ما تک گرایی نداریم مجاهدین، خلق و پرچم و تکنوکرات ها و همه را داریم

در تلویزیون ها ما را می گویند . ملا ضعیف در کابل زنده گی دارد و هر جا سفر دارد لیک ما را می گوید و همچنان مخالفان درون رژیم هم ما را تخریب می کند اما ما مشکلات زیاد داریم از تاریکی ها بیرون نشده ایم، ثبات داریم ولی امن نداریم در جنگ علیه تروریسم موفق نیستیم جامعه جهانی در کامیابی و ناکامی ما شریک است . در سیاست گذاری ما دو عنصر مهم است اولی عنصر داخلی و دومی عنصر خارجی
 ایران با امریکا مخالف است، امریکا اینجاست به امریکا گفته ایم که ایران همدین، همزمان و همسایه است و هم با پاکستان روابط حسنه داریم با چین و روس رابطه خود را داریم و با هند روابط عالی داریم و ترکیه دوست قدیم و عزیز ماست .
 وحدت ملی تامین است در افغانستان.

از برکت ما بود که آلمان ها یکی شد، آسیای مرکزی آزاد گردید و پاکستان صاحب بمب اتوم گشت .

غرب سال 1991 مارا فراموش کرد و 2001 باز آمد و حال دیگر اشتباه نمیکند امریکا نفوس زیاد دارد، خاک زیاد دار د و زور اور است اما ماشیر هستیم پس امریکا باید بنام شیر با ما معامله کند ما در عقد قرارداد استراتژیک بین شیر و امریکا موافق هستیم و هرگز اجازه نمی دهیم از خاک ما استفاده سو صورت گیرد .

به اتفاق ارا رییس جرگه حضرت صبغت الله مجددی و معاونین اش نعمت الله شهرانی و عارف نورزی برگزیده شد منشیان این جرگه محمد علم ایزید یار و حیات الله بلاغی بودند و سخنگویی جرگه را صفیه صدیقی عهده دار گشت . جناب حضرت صاحب بعد از قرایت چند آیات و حدیث که خیلی ها خرسند به نظر می رسید به ادامه سخنان اش گفت :

ضرورت پیمان استراتژیک با امریکا بخاطر مداخلات همسایگان است و ما باید در قدم اول قلوب و نیات خود را صفا بخشیم من یک پیشگویی کرده بودم اگر آی اس آی را جهان اداره نکند دنیا را تروریسم میگیرد همانطور هم شد و می شود . برخی ها ما را و طنفرش نامیده اند در حالیکه فضل مجددی ، شیخ المشایخ و نور المشایخ کیها بودند که یکجا با شاه امان الله غازی استقلال را بدست آوردند و بنده در برابر تجاوز شوروی جهاد را اعلان ، روسها را بزانو در آوردم و جهاد را پیروز ساختم این ظلم است و ناروا که مارا چنین می گویند .

امور عقیدتی و فرهنگی و سواد آموزی :

در مرکز تعلیمی کارمند مسلکی در امور فوق وجود نداشت و کار عقیدتی و فرهنگی در سطح لازم به دلایل ذیل وجود نداشت اخبار و مجلات منظم از مرکز (کابل) پلان و انتقال نمی گردد . فشار فزینی در این اردو زیاد است اما فشار معنوی، معنویت، اخلاق و ارزشها ضعیف . باید ها و نباید ها مرعی نیست .

از آیات واحداث ، اشعار میهنی و اسلامی، نظم ها در دیوار ها عمومی، رهائشی و در سخانه وجود نداشت اگر مواظبت از پرسونل و رسیدگی به شکایات می بود ده ها عرایض تقدیم ما نمی گردید . پرسونل سیاست دولت، ستراتیژی نظامی و قوانین نظامی را نمی دانستند و در قرار گاه وزارت نیز متاسفانه ضعیف می دانند . حتی در مراسم فراغت نه سرود ملی درست شنیده شد و نه معرفی



سرباز جهت اخذ تصدیق نامه و تحایف به نظم می ماند . پرسونل رویداد ها و حوادث (همچو تدویر لویه جرگه) را که جریان داشت نمی فهمیدند اردو با سواد سیاسی ضعیف و اردو حزبی مانند گذشته نتیجه نداد .

در هیچ کاغوش (که صد نفر حد اقل زنده گی دارد) رادیو و تلویزیون وجود ندارد، تبلیغات بصری چنان ضعیف است که گویا این قطعه فردا می کوچد، در استند ها دیواری حتی اوراق لازم دفتری نصب نیست ، دروس سوادآموزی که بایست ساعت 7 صبح آغاز گردد، در دوکتیگوری صنف اول و دوم که در صنف دوم افراد نیمه با سواد ، صنف اول کاملاً بیسواد ولی کیفیت دروس قناعت هیت را از لحاظ تهیه و ترتیب اسناد و پلان و پروگرام اش فراهم نساخت . طوریکه در صنف اول با وجود سپری شدن 2 ماه کامل سرباز عبدالحکیم بدخشانی کا، ماما، بابا و تاتا را نوشته نتوانست و الفبای دری را نمی دانست .

در سطح قول اردو مسجد جامع کنونی اش گنجایش کم نماز گذاران را دارد و ستون های برنده آن مقاومت نکرده و بعد از یکسال پوسیده و از بین رفته که مقام وزارت به آن توجه نکرده و قوای تندر امکانات آنرا ندارد .

گفتند که جنرال ناصر هدایت قوماندان لوای اول خوست تندر دوست رسمی و شخصی امریکاییان امر لوی درستیز و قوماندان عمومی تعلیم و تربیه را در رابط با فراغت سوم قوس به دو روز قبل پذیرا نیست این موضوع را به امر جنرال خالق مربوط می داند (تا جایی جنرال مذکور برحق است)

وضعیت امنیتی :

مرکز تعلیمی از لحاظ امنیت موقعیت بد ندارد زیرا در جوار آن میدان نشست و برخاست هلیکوپتر ها بود و تپه ها دور تر آنرا سربازان قواتندر در حالت مدافعه با افراز پوسته ها دایمی حراست داشتند چون ساحه فعالیت قول اردو خیلی وسیع است ، 7 ولایات و چندین ولسوالی . وضع الجبهش دایمی قوا و مرکز تعلیمی از دید گاه عسکری دور تر از شهر گردیز با وضعیت کنونی تفکر عالی و استراتیژیک هسته گذاران شان را نشان می دهد زیرا 25 سال قبل زمانیکه در غزنی اجرای وظیفه داشتیم موقعیت قول اردو نمبر 3 پکتیا و بخصوص فرقه 12 پیاده را که از آنها اکنون نام و نشان نیست همه بلند منزل شده و سیمای شهر گردیز را تغیر داده است، آغاز از موقعیت کندک تانک تا نیمه شهر یک سلسله بلند منزل ها اعمار گردیده که به زیبایی پکتیا افزوده شده است .

تعلیم و تربیه مسلکی :

پلانهای تعلیمی طوریکه در نقاط مثبت ان اشاره شد وجود دارد اما با نقایص ایکه نه ترتیب کننده امضا داشت و نه منظور کننده این مرکز را همه افسران فرعی و سرپرست اداره می کنند ، در پلانهای تعلیمی محل پیشبرد، اجراکننده و ساعت اجرا تذکر داده نشده است سیستم مخابره در مرکز ضعیف بود، حتی از آمدن هیت با وجود شفر گرام قبلی آگاهی نداشتند و یا خودرا آگاه نمی دانستند ، اسناد و مدارک لازم در شعبات مرکز بدرستی ترتیب نشده، ارقام و اعداد عندالموقع ارایه شده نمی توانست، استادان لایق در مرکز وجود نداشت.

بدنه اساسی وستون فقرات مرکز که افسران اند خالی باشد پس از کدام تعلیم و تربیه پیشرفته می تواند سخن در میان باشد. اداره مرکز را عمدتاً برید ملان برخاسته از میان سربازان و همچنان کار عقیدتی و دینی را سربازان برخاسته از میان سربازان اجرا می دارد که بدون شک این روش نتایج مطلوب را در قبال نداشته و ندارد.

نقص عمده در هیت آن بود که سه تن دگروال از بخش های اپراسیون، تعلیمات و مکاتب بودند و از بخش تفتیش و دکتورین کسی شامل گروپ نبود در این سفر جناب سلطانی کتاب حسین کیست؟ را با خود داشت که شب هنگام به مطالعه مفید واقع گشت.

برخی از افسران ارشد چندان دل خوش از رهبری قوای تندر بویژه جناب تورنجرال عبدالخالق پغمانی نداشتند اما بخاطر معرفت ایکه با جناب قوماندان از سابق داشتم و او را تورنجرال اردوسابق می دانم با صحبت توضیحی و قناعت بخش بخصوص زمانیکه جلسه صبحانه سوق و اداره را مشاهده کردم این ایتلاف مرموز را به نفع جنرال خالق شکستادم اینکه اومتشکر است یانه در رشد بنده کدام تاثیر ندارد و موصوف رامدیون خود نمی حسابم.

با مشاورین زون هماهنگی مزاحها زیاد داشتم در شب دعوت دگروال عزیزی این مشاور که به رتبه دگروال کار می کند و دارای سه فرزند بوده و زن خود را طلاق داده است علت آنرا جویا شدم گفت زن پول هایم را مصرف می کرد و دوست دخترم مصارف ندارد او خود را 49 ساله معرفی داشت و ما گفتیم هر نظامی بخاطر زن و فرزندش تلاش و سعی دارد چه فرق می کرد که پول ها شما را مصرف می کرد اونیز خندید، خنده ها زیاد بود. افغانهای حاضر بالای طعام در ضیافت متذکره این موضوع را بباد تمسخر گرفتند.

با وجودیکه نقایص زیاد وجود دارد اما جگرن نبی از افسران قرارگاه می خواست بیانیه ذیل را قرائت کند که مانع آن شدم که گویا در دنیا خیر و خیریت است از تمام قطعات ایکه در اردو کنونی کنترل بعمل می آید در آخر صحبت کننده گان و اعضای رهبری اش به گونه ذیل بیانیه می دهند و وضعیت را خیلی ها خوب و عالی تحلیل می دارند که متاسفانه این روش در اردوی ملی عام گردیده و اخلاق نظامی پنداشته می شود در قطعات و مراکز های تعلیمی کمتر به نواقص اعترافات صورت می گیرد و به اصطلاح دوغ هیچ عرب ترش نیست:

به اجازه عالیقدر محترم بریدجنرال سلطانی صاحب معاون قوماندانی عمومی تعلیم و تربیه و دوکتورین ستردرستیز به اجازه محترم درستیز وال صاحب قوماندانی قول اردوی 203 تندر و هیت محترم

قوماندانی عمومی تعلیم و تربیه و هیت محترم رهبری قول اردوی 203 تندر و مشاورین محترم همکاران و مهمانان عالیقدر، افسران، بریدملان و سربازان دلبر و با شهامت مرکز تعلیمی نظامی ساحوی

جای بسا افتخار است که با تشریف اوری شما فرزندان دلبر و قهرمانان اردوی ملی کشور ما امروز فراغت کنندک نمبر (169) تعلیمی تهدابی مرکز تعلیمی نظامی ساحوی قول اردوی 203 پکتیا را با ترکیب از ولایات مختلف و ملیت های مختلف که بعد از (8) هفته تدریس و تعلیمات نظامی به اثر سعی و تلاشهای مخلصانه استادان نظامی و همکاران بین المللی که بامادوشادوش در تمام عرصه های تدریسی و اکمالاتی همکار بوده تقدیم به جامعه خویش که سالها انتظار صلح و امنیت را در آسمان نیلگون کشور باستانی افغانستان با چشمان مملواز اشک لحظه شماری مینمودند آغاز مینمایم

محترماً:

اردوی ملی در پرتوقانون اساسی تحت زعامت مدبرانه جلالتماب حامدکزی رییس جمهور د.ا. افغانستان و رعایت اصول استراتژی ملی نظامی تا اکنون دست آوردهای مهم از جمله جلب اعتماد و احترام و حمایت مردم افغانستان و جامعه بین المللی رشد و توسعه چشم گیر کیفی و بنیادی اردوی ملی، اکمال سلاح و تجهیزات را داشته و همچنان رهبری بیشتر عملیات های نظامی در سراسر کشور را به عهده داشته است که موضوع انتقال مسولیت تامین امنیت به قوای امنیتی افغانستان و استراتژی اتکا به نیروهای افغان بصورت



بسیار جدی در اولویت برنامه های کاری اردوی ملی افغانستان قرار داشته و آماده گی کامل برای اجرای فیصله های دولت در این راستا وجود دارد. بنا:

مابرسونل مرکز تعلیمی نظامی ساحوی اعم از افسران و بریدملان در قدم نخست بشما مقام محترم قوماندانی قول اردوی 203 تندر و مقام محترم عالی قوماندانی عمومی تعلیم و تربیه و دوکتوین ستر در سنیز و مردم شریف افغانستان اطمینان میدهم که به یاری خداوند (ج) و حمایت ملت گرمی افغانستان علاوه بر اجرای اوامر مقامات ذیصلاح قوماندانی قول اردو قوماندانی تعلیم و تربیه از کوشش خستگی ناپذیر برای تأمین امنیت سراسری سرکوب دشمنان ملت ها و اقوام مختلف افغانستان جلب کمک های بیشتر جامعه جهانی به ویژه تجهیزات بهتر و بیشتر که همه و همه از تعلیم و تربیه بموقع طبق پلانهای مقامات ذیصلاح جهت شنایی و موختن تکنیک و تخنیک محاروبی سلاح و وسایط و تجهیزات نظامی که با عرق ریزی و علاقمندی خاص مسوولین جزو آنها و کورسها تحت رهنمایی استادان مجرب نظامی داخلی و همکاران بین المللی ما در مرکز تعلیمی به پیش برده میشود از هیچ نوع تلاش و عرق ریزی دریغ نخواهیم ورزید.

ما همیشه در تلاشهای شبانه روزی خویش جهت رشد انکشاف و توسعه اردوی قهرمان ملی خود هستیم که بایشبرد تعلیمات نظامی مطابق پلانهای تعلیم و تربیه و تطبیق آن مطابق تقسیم اوقات 24 ساعته در تربیه سالم سربازان و بریدملان از کورس های تیم لیدر دلیگی مشران بلوک مشران میدیک صحنه و کورس دریوری حاموی و رینجر که بعد از سپری نمودن دوره معین تعلیمات نظامی تقدیم به اردوی ملی جهت حفاظت و سترسرحدات تأمین صلح و امنیت تقدیم به جامعه میگردند بدوش ما بوده است تا بتوانند تهدیدات داخلی و خارجی را در کشور بوقت و زمان دفع و طرد نموده و در چارچوب دوکتورین دفاعی افغانستان در تأمین ثبات و استقرار امن نقش خود را تثبیت نموده بلانس قوا را در کشور عزیز ارتقا دهند.

در پایان اجازه دهید تا یک بار دیگر از فرزند شما بمناسبت رهبری و هدایات شما بخاطر رهنمایی های همه جانبه بمناسبت تعلیم و تربیه بهتر بریدملان و سربازان به شهادت که بعد از فراغت در صفوف دفاع از کشور در قطعات و جزو نام های اردوی ملی کشور جایگزین میگردند و هم چنان بمناسبت اشتراک شما در این فراغت ابراز سپاس بیکران نمایم و هم چنان باید تذکر داد که در تربیه و پرورش اولاد میهن خویش بیشتر و بهتر سعی و تلاش نموده بحضور عالیقدر شما و از طریق شما به مقام عالی وزارت دفاع ملی و کافه ملت نجیب افغانستان به یاری پروردگار یکتای برای تان و عده میدهم تا آخرین رمق حیات در تربیه و پرورش تعلیمات نظامی مسوولین کورسهای که مطابق پلانهای تعلیم و تربیه بما هدایت داده میشود دریغ نمیورزم در آخیر برای فرزند شما صحت و سعادت و در همه امور زنده گی موفقیت مزید را از بارگاه خالق بی نیازمندارم .

مشکل سیاست کادری اردو در آنست که بسیاری دگروالان و جنرالان به میخ یکی از بلندپایگان آویزان است، در این اردو و کشور نه تحصیل نه تجربه و نه لیاقت ارزش دارد، اگر هر چند دیپلوم، تحصیل و تجربه باشد کسی را شناسایی بجایی عادی مقرر شده نمی توانی و معاش حد اقل را اخذ نمی توانی.

جنرالان اردو همچو جنرال سوله مل برف بام خود را به بام دیگران می اندازد همزمان نقیب الله رضایی می گوید هیچ فرصت مناسب برای جذب سرباز جدید ندارد. مرکز تعلیمی گنجایش 2400 نفر را در یک تایم ندارد تا 1200 تن محل را تخلیه نکند و به دیگران جای زیست وجود ندارد، دگروال غلام محمود همسفر ما در توضیح موضوع به جناب سلطانی پافشاری زیاد کرد.

رضایی از نبود البسه، اعاشه، کاغوش و عدم امکانات صحبت می کند ولی مرغ مقامات بالا یک لنگ دارد آنها بر تطبیق پلان پافشاری دارند تا از بار مسولیت شانه خالی بدارند، اینگونه جروبحث ها و تبادل افکار در دفتر ملنگ شاه چمکنی ساعت ها ادامه دارد و 2 مشاور امریکایی با 2 ترجمان خوش اندام افغانی در کنار ماست ولی باگذشت هر دقیقه و خستگی عاید بر نقیب الله رضایی که حرکات و سکنات اش نگران کننده است ما را نیز خسته ساخته می رود.

هلیکوپتر به خوست پلان نگرید، پلانها برهم و در هم در فضای قول اردو و مرکز تعلیمی آلوده بوده و صمیمیت ها از خلوص قلبی و نیات صاف درونی نشأت نمی کند، در گروپ شخص با صلاحیت نیستیم نه جنرال و نه رییس در وزارت تا مستقلانه تصمیم بگیریم، ولی آقای سلطانی مشوره ها و نظریات ام را هرگز رد نکرده است، او همسفر و جنرال نیک است، فروتن و شجاع گاه گاه قهر می گردد

ولی بعد ها خاموشی را اختیار می کند. در بدخوی اش خیلی بدخوی و در خوش خویی اش نهایت حلیم و خوش خوی .
غلام محمود دگروال مدیریت تعلیمات شخص کنجکاوه و آشنا در اسناد دولتی نظامی، اما یار محمد انوری شخص کار کشته و بلد کار و گاه گاه عاجل تصمیم می گیرد او پیروزی ها جمعی را منحصر به فرد خود می دانست و تلاش می ورزید تا خود را دگروال پیروزمند بحسابد و تا جایی پیروز هم بود.

دگروال غلام محمود اردو کلاسیک و مدرن را در نظر دارد و در حالیکه وضعیت مرکز تعلیمی و رفتار و کردار نظامی در این زون در برخی حالت مشابه اردو امیر شیر علی خان است، حرف ها و اشتباهات تکرار می گردد، اما اصلاحات بمیان نمی آید، همه موجودیت کلید دیبو رانزد امریکاییان حقارت دانستیم اما در جلسه صبحانه 30 عقرب رضایی و عزیزی به موجودیت کلید به خارجیان ابراز موافقه داشته و کدام اعتراض نداشتند طوریکه برداشت گردید این هر دو از جناب چمکنی کمتر در هراس بودند ولی برایش احترام نداشتند. یک مشاور امریکایی سی دی دارای فوتو ها را بر ایمان به آدرس جنرال سلطانی آورد و به هدایت جنرال سلطانی توانستیم 1600 سوب دریشی مربوط کوماندو را که در دیبو ها مرکز موجود بود به جزو نام کوماندو تسلیم داده شود و این کار را عملی ساختیم

در میان هیت رهبری قول اردو تندر بر خورد و تبادل افکار با دگروال علیشاه کاظمی خوش آیند بوده و سخنان مسلکی و اجتماعی شان ما را پیوسته قناعت می داد و سوال در برابر پاسخ هایش نداشتم. جگرن شهسوار فرد مسلکی لوژستیک و شخصیت توانا معلوم می گردید. ظهر 30 عقرب ضیافتی مناسب حال مشاورین و ما ضمیمه ها نیز در طعامخانه قرارگاه قوای تندر آماده بود و آنرا صرف نمودیم و جنرال عبدالروف محتاج سرپرست قول اردو بود او شخص فعال و متحرک بنظر می رسد، لیاقت، اندام مناسب عسکری، قد بلند و قامت زیبا اش که نظامی شایسته است ایجاب می دارد تا در شرایط کنونی قوماندان قول اردو باشد نه تنها ایشان بلکه افسران خوب و لایق دیگر همچو فاروق ادراک، فضل الرحمن تنها، علیشاه کاظمی و آصف صبور باید جنرال باشند.

دگروال در محمد دلدار بیگ قوماندان دیبو های ساحوی و دگروال فاروق ادراک ظهر 30 عقرب از مهمانان بار ثانی احوال گیری نمودند و دگروال بیگ از ما گرچه قوماندان گارنیزون دعوت کرد لیک ما را قبلا ریزرف کرد، من مهمان شدن را دوست دارم. هدف در این نشست ها سیر کردن شکم نبوده، بل نان صمیمیت و محبت ها را بار آورده و نان و نمک شدن بهر شکلی که است رسم افغانها است. با گذشت هر روز به محبت و شیرینی میان مان افزوده می گشت، با تفاوت از روز اول ایکه بسردی از ما استقبال گردید اما در روز های دوم، سوم و چهارم سه شنبه اول قوس روابط و بر خورد ها نزدیک و نزدیک تر گشت، سخنان شیرین نگارنده، طنز ها و شوخیها که افسران محیط قول اردو تندر به آن نیز دارند انعکاس مثبت را در میان قشر آگاه و با درک افسری وارد ساخت.

دگروال محمد آصف صبوری شخص فعال و مهربان در عرصه همکاری در مراسم فراغت و تقسیمات آنها از گردیز و خوست ما را مساعدت فراوان کرد. این افسران تا حد توان کوشا رفع مشکلات اند اما مقامات وزارت فرستنده اوامر نظریات ضدو نقیض دارند، علت آن عدم تحلیل وضعیت در زون جنوب شرق و عدم هماهنگی میان ریاست ها و قوماندانیت ها مختلفه ستر در سنیز می باشد، ابتکار عمل باز هم بدست دگروال

انوری و غلام محمود خان بود که به ساده گی این معضله حل گشت . در یک زنگ هدایت یک رقم و در دومی با تغییر مفکوره هدايات گوناگون صادر می گردد و بیشتر اوقات را مصروف جزئیات مسایل می ساختیم . صحبت هایم با کاظمی از آن جهت دلچسپ و مورد علاقه ام بود که موصوف شخص متجرب ، سابقه دار و پاکدامن که شاهد تحولات و حوادث بزرگ در کشور بوده و تاریخ زنده اردو است . حرف ها و پيچیدن بالای مسایل روز و زنده گی عینی قطعات و جزواتها را در کلیات مورد بحث و تحلیل قرار می داد و از بسط تجربه رهبری تذکرات در کلام و کردار شان نمایان بود ، او شخصیت متواضع و کارمند مسلکی ایست که شایستگی رتب بالاتری را در رده های جنرالی اردو ملی طوریکه عرض شد دارا می باشد .

چون رهبری وزارت تشخیص و تفکیک از کدر های خود ندارد و در مورد بسیاری ها حق تلفی صورت گرفته است . دگروالان فضل الرحمن تنها ، محمد اصف صبوری ، دلدار بیگ و ادراک و غیره افسران صمیمی اند که همیشه دور ما را حلقه می زدند ، این سفر از جهات مختلف زنده گی نظامی ما خوش آیند بود .

نشست ها با مشاورین امریکایی یکی دوسه باری که صورت گرفت چندان نتایج مشخص و عملی را همچو آماده ساختن هلیکوپتر ها ، تامینات مادی به زون هماهنگی و اکمالات لوژستیک و مادی به مرکز تعلیمی و غیره و غیره در قبال نداشت . جنرال سلطانی و بنده برخی اوقات خود را صرف با آنها به مقصد تقویه زبان انگلیسی و ان . جای نمودن سپری می کردیم . این مشاورین با افراد مسلح و مجهز شان چنان در سرک های محوطه قول اردو در حرکت و گشت و گذار قرار دارند که گویا در یک نبرد شدید و در یک محاربه سنگین برضد القاعده و تروریست ها در وزیرستان شمالی قرار داشته باشند ، شب اخیر اول قوس 1390 مهمانی در سطح عالی و خوش آیند بما را دگروال دلدار بیگ سازماندهی نمود ، علاوه بر ما 5 نفر سه نفر از زون هماهنگی را نیز با خود همراه داشتیم

بیگ بدستان خود شوربا لذیذ و خوش طعم را آماده ساخت که همه را به فکر خانواده ها کشاند این غذا با مملوبیت از صفا و صمیمیت قلبی آماده شده بود که مزه آن هنوز هم از دهان ما نرفته است صحبت های گرم در دفتر این قوماندان داشتیم و ما را در برگشت خوب بدرقه کرد و این سومین شب را با خوردن غذا سهل و فرمایشی خود مان به راحتی سپری کردیم مشکل زون جنوب شرق نادرست کار کردن تلفون ها بود که از فامیل ها و دوستان و رفقا حرف ها را درست شنیده نمی توانستیم در این سفر زنگ های احوال گیری را به آدرس مان جناب رییس صاحب ارکان الحاج برید جنرال غلام سخی میهن یار با سلطانی صاحب ، دگروال شاه علم کریمی با نگارنده و دگروال محمد جان عظیمی با دگروال یار محمد انوری انجام می داد و از سایرین کدام مواظبت وجود نداشت خاصتا مدیریت عمومی مکاتب مسلکی که بنده در چوکات این مدیریت فعالیت دارم و متاسفانه به دگروال غلام محمود خان یگان زنگ تلفون نیا مد تصور کردم که شاید موصوف بدون موافقه مدیر عمومی تعلیمات در سفر آمده باشد .

در حالیکه این سفر مرا از لحاظ شخصی چندان علاقه مند نمی ساخت از یکطرف مشکل بی سرپرستی خانواده و از سوی دیگر موجودیت مداومین در مکتب عقیدتی و فرهنگی به تعداد 43 نفر و مواظبت آنها در دور هفتم و وظیفه اصلی مرا تشکیل می دهد .

چون کار در مدیریت قابلیت های خدمات عمومی را آنقدر دوست ندارم و در پست عقیدتی و فرهنگی نیز علاقه ندارم . نمی دانم چرا مقام ستر درستی مرا مطابق مسلک ، شوق و علاقه ام مدیر تحقیقات علمی در کالج ، معاون ریاست پارلمانی ، مدیر مطبوعه اردو ، آتشه نظامی در کشور های شوروی سابق و با حداقل مدیر تدریسات در پوهنتون دفاعی و یا امر دیپارتمنت تاریخ در اکادمی ملی نظامی مقرر نمی سازند .

درجات علمی ، نگارش ها و آموزش انگلیسی و کار بالای کمپیوتر روز به روز ضعیف شده می رود ولی حرکات اپراتیفی ، سیستم راپور دهی ، امور اجرایی ، تقویه شناخت دوباره ام با افراد سابق اردو و تازه واردان افزایش می یابد ، با اداره مستقیم جنرال سلطانی و همکاری میان مراسم فراغت مداومین مرکز تعلیمی نظامی ساحوی گردیز به وجه احسن طی برگزاری محفل باشکوه صورت پذیرفت و این عمل با اداره غیرمستقیم مان و مداخلات بجا در خوست که وابسته به گردیز بود ، نیز عملی گشت .

گردیز را ساعت یازده و نیم بجه مورخ اول قوس 1390 به قصد کابل ترک گفتیم و جریان برگشت دوباره را چون در ابتدا نوشتیم دوباره ضروربه تکرار آن نیست .

در بحث مختصر صبحانه ایکه من و انوری با جنرال محتاج داشتیم نامبرده دلیل فرار از اردو را چنین وانمود ساخت :

- ترس از جنگ شدید

- ترس از طالبان نسبت تهدید خانواده های شان

- عدم مواظبت از خانواده های شهدا و معلولین عندالموقع (تقاعد و حقوق ماهوار)

- موجود نبودن تاسیسات لازم

- اعاشه بدون کیفیت در جزواتها اردو

صبح اول قوس با خاطرات جالب از قول اردو تندر به کابل برگشتیم این خاطره به جنرال سلطانی و نگارنده همانا اشتراک در جلسه صبحانه سوق و اداره قول اردو بود که به رهبری دگروال فضل الرحمن تنها پیش برده شد این جلسه در یک محل عالی و مناسب به اشتراک مشاورین خارجی و سهم کلیه بخشها به شمول زون هماهنگی اپراتیفی پیش برده می شود در این جلسه از عملیات های مختلف مستقل و مشترک و حمایه قطار های اکمالاتی در 24 ساعت گذشته صحبت گردید و از اجراات لوا های مستقل گزارش داده شد در این محل خبره گان نظامی تندر با تحلیل از وضعیت نظامی و سیاسی زون جنوب شرق پر داخه و وظایف خود را در همان روز تثبیت و اولویت ها را در صدر خدمات نظامی شان قرار دادند . هر مسوول و نماینده قطعه مستقل نقاط مثبت و دست آورد ها را نه توصیفانه ، بلکه با خاطر نشان ساختن نقاط آسیب پذیری آن و چالش های در پیشرو بیان کردند .

دگروال ثمر گل به نماینده گی از مرکز هماهنگی زون جنوب شرق پیروزی های پرسونل مشترک را در کشف و خنثی ساختن ماین ، دستگیری افراد مشکوک از 7 ولایت گزارش داد به تناسب سایرین راپور ثمر گل دقیق و عینی بود در ختم محفل جنرال سلطانی نظم و سازماندهی این جلسه را عالی ارزیابی نمود و بنده نیز در پایان جلسه چند سخنی ارایه نمودم محل ، ترتیب و پیشبرد جلسه را نمایی از وجود آثار ، علایم و بنیاد یک اردو معاصر در کشور دانستم ، جنرال محتاج سرپرست قوای تندر این جلسه صبحانه را حوصله مندانه رهبری می کرد و از دوستان بین المللی اش بخاطر انتقال شهدا از برمل تا کابل سپاس عظیم بعمل آورد .

در ختم جلسه ادراک ما را به باز دید از کتابخانه ، سالون کنفرانسها و اتاق افتخارات دعوت کرد ، آقای سلطانی پذیرفت اوزحمات زیاد کشیده بود و ما در کتاب خاطرات چیزی های نوشتیم و افزودیم که دگروال ادراک شایستگی رتبه برید جنرالی را دارد ، سپس مراسم فراغت کندک 169 مداومین دایر گردید ، بعد از قرابت چند از آیه قران و پخش سرود ملی محفل با گزارش نقیب الله رضایی آغاز گشت و سخنرانان عمده جنرالان محتاج و سلطانی بودند و هر دو در مورد انتقال مسولیت به افغانها ، پیمان استراتژیک ده ساله میان افغانستان و امریکا و تعلیم و تربیه با کیفیت

صحبت های رهنمود دهنده خود را ابراز داشتند . متعاقبا تورنجرنال مارلی مشاور یکی از بخش های تعلیمی امریکایی ودوست جنرال محتاج توجه مداومین را درآشنایی به قوانین افغانستان در جهت حفظ امنیت افغانستان آرزوبرد .

دگروال فاروق ادراک باصحبت دینی اش بیشتر محفل را تحکیم بخشید وپس از آن گروپ ما عزم برگشت به کابل را کرد در برگشت اول قوس به کابل جنرال سلطانی وجنرال داود غذا چاشخانه را بالای جنرال ملا رازق قوماندان لوا4 که خودش در میدان شهر موقعیت داشت قسما تحمیل نمودند زیرا که رییس ارکان لوای مذکور آقای تخاری که اسم ورتبه اش را نمی دانم با وجود شیرینی زبانی ها زیاد وبا چپلک از هم صنف اش آقای سلطانی طور شاید وباید استقبال نکرد وروی همین ملحوظ از خوردن چای ونان موصوف به بهانه ابا ورزیدم.

در این سفر کدام نفع مادی به نگارنده حاصل نگردیده که از ان جهت طرفدار کدام شخص وفرد باشم صرف یک یک سوپ دریشی را جنرال داود چون مهمانی نسبت قرابت مامایی وخواهر زاده گی با ما نداد در عوض به تمام گروپ تحفه کرد یک یک جوره کرمیچ همایون عزیزی را نسبت اینکه خفه نشود پذیرا شدیم لحظات آخیر حرکت نسبت معطلی من وانوری به دریورچمکنی با خفگان آغاز گشت که برایم خوش آیند نبود چون ختم ماه عقرب بود عوض فایده برعکس 50 لیتر تیل استحقاق ام را در مرکز تعلیمی نظامی کابل ازدست دادم ، 60 لیتر تیل در رفت وآمد ما مصرف گردید ودر مقابل 60 لیتر از طرف کاظمی صاحب توزیع گشت در حالیکه دوشکه داشتم خالی برگشت لیک کاظمی صاحب یک سیر لوبیا ویک بوری برنج به دریور بنده بریدمل نظیف الله وردگ که شخص غریب است بخشیده است .به خدمت خلق الله رفتیم تا حد توان کمک ویاری به مرکز تعلیمی رسانیدیم وصحت وسلامت بدون حادثه الهی بر گشتیم در نزدیک مسجد عید گاه کابل رسیده بودیم که جنرال محتاج رییس ارکان وسرپرست قول اردو تندر احوال گیر مآشد از ایشان جهان سپاس که از همسلکان خود مواظبت جدی در سفر وحضر نمودند .